

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

### تأثیر بحران مالی آسیا بر اقتصاد چین

شانگهای از ۱۰۰ در سال ۹۱ به بیش از ۱۳۰۰ در اواسط ۱۹۹۲ و ۱۴۰۰ در اوایل ۱۹۹۳ اوج گرفت. بازار بورس شن جن هم در اوایل به بیش از ۳۵۰، در سال ۱۹۹۳ رسید. اما پس از این‌که در اواخر سال ۱۹۹۳ جو رونگ جی که در آن زمان معاون نخست وزیر بود، شروع به شکستن حساب‌ها کرد، قیمت ساختمان‌ها به تدریج روبه کاهش گذاشت و بازار بورس نیز کساد شد.

بازار بورس از سال ۱۹۹۶ مجدداً گرم شد و در اواسط ۹۷ وقتی که هنگ کنگ به سرزمین مادری پیوست به قله‌ی تاریخی خود رسید. شاخص بورس در شانگهای به بیش از ۱۴۰۰ و شاخص شن جن به نزدیک ۵۰۰ رسید. اما پس از بروز بحران مالی آسیا، بازار بورس فوراً با رکود مواجه شد.

در خصوص بازار مستغلات و بورس چین، ذکر این نکته ضروری است که با این‌که به

تأثیر بحران بر برخی بخش‌های اقتصادی و مسایل اجتماعی چین  
۱- بازار مستغلات و بورس:

یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها در بحران مالی آسیا، ترکیدن اقتصادهای حبابی بود. چین نیز هم چون سایر اقتصادهای در حال ظهور شرق آسیا، گرفتار ورود زیاد سرمایه و وام‌های بانکی در بازار مستغلات و بورس شد و در سرمایه‌گذاری‌های پایه‌یی، اهمال‌هایی صورت گرفت. بعد از سخنرانی دنگ شیائو پینگ (رهبر معنوی وقت) در سفرش به جنوب چین در سال ۱۹۹۲، اقتصاد با یک جهش سریع مواجه شد. این امر به ساخت و سازهای شهری فراوان منجر شد. در بسیاری از شهرها، قیمت ساختمان‌ها چندین برابر شد.

مشابه بازار مستغلات، بازار بورس نیز در اوایل ۱۹۹۲ شکوفا شد. شاخص بازار بورس

بین ۵ تا ۶ درصد آن وام‌ها غیر قابل وصول می‌باشد. به این جهت و با عنایت به این که یکی از علت‌های بروز بحران مالی آسیا، مسایل بخش مالی کشورهای مبتلا بوده است، دولت چین در صدد چاره‌اندیشی برای وام‌های مذکور می‌باشد.

دلیل اصلی حجیم شدن وام‌های بدون بازگشت این است که این وام‌ها به شرکت‌هایی دولتی داده شد که سالیانی است که ضررده می‌باشند. این شرکت‌ها به علت بالا بودن نسبت بدهی به دارایی‌هایشان (حدود ۸۰-۷۰ درصد)، عموماً<sup>۱</sup> به وام‌های بانکی متکی هستند. اکثر این وام‌ها براساس سیاست‌های اعلام شده دولتی به شرکت‌های مذکور پرداخت شده است. بر طبق یک برآورد، وام‌هایی که براساس سیاست‌های اعلامی دولت در دهه‌ی ۹۰ اعطا شده، بالغ بر یک سوم از کل وام‌های بانک‌های دولتی بوده‌اند که بخش قابل توجهی از آنها قابل بازگشت نیستند. لذا به جهت وجود وام‌های مشکوک الوصول فراوان، نسبت بدهی به دارایی بانک‌های مذکور نیز حدود ۸۰ درصد است که بالا می‌باشد. این امر مخاطراتی را برای بخش مالی چین به همراه خواهد داشت.

علت باز نبودن بازار مالی و ارز چین به روی خارجی‌ها این بخش از اقتصاد در اثر نوسانات بازارهای بین‌المللی دچار بحران نشد، اما در مواردی تحت تاثیر قرار گرفت. به طور مثال، بازار ساختمان‌های اداری و مسکونی که جهت خارجی‌ها طراحی شده بودند، با کساد رویه رو شد. شاخص سهام B که برای معاملات با ارز خارجی (در شانگهای با دلار آمریکا و در شن جن با دلار هنگ کنگ) طراحی شده است، خیلی بیشتر از شاخص سهام A که برای معاملات با پول ملی (یوان) طراحی شده است، دچار ضربه شد.

## ۲- بانک‌ها و موسسات مالی:

بانک‌ها و موسسه‌های مالی اصلی‌ترین بازیگران و هم‌چنین قربانیان بحران مالی آسیا می‌باشند. اما بخش مالی چین هنوز به طور جدی تحت تأثیر واقع نشده است. یکی از نگرانی‌های دولت چین مشکل<sup>۲</sup> وام‌های غیرقابل وصول<sup>۱</sup> بانک‌های دولتی می‌باشد. با این‌که در این موارد آمار مناسبی وجود ندارد اما بر طبق برخی گزارش‌ها تا پایان ژوئن ۱۹۹۷، وام‌هایی که در وصول آنها اشکال وجود داشت، ۱۰/۷<sup>۲</sup> درصد از کل وام‌هایی بود که بانک‌های دولتی چین پرداخت کرده‌اند که از این

1. Bad Loan

2. Inadequate Loan

منطقی بوده است، بنابراین این بانک‌ها تصمیم گرفتند که وارد بازار مستغلات و بورس شوند. اما پس از بروز بحران مالی آسیا، دولت کنترل سخت‌تری بر وام‌های اعطایی برای گسترش ساخت و ساز مستغلات اعمال نمود و هم چنین بانک‌ها را از سرمایه‌گذاری در بازار بورس منع کرد. این امر بانک‌ها را در شرایط سختی قرار داد و برخی از آنها را به سوی ورشکستگی کشاند. این موضوع موجب شد تا مسأله‌ی "وام‌های غیرقابل وصول" برجسته‌تر گردد.

### ۳- صنایع تولیدی

از اوایل دهه‌ی ۸۰ و با توجه به افزایش سریع مصرف، به‌ویژه به علت "اقتصاد کمبود"، صنایع تولیدی سریعتر از صنایع پایه‌یی و زیرساختی توسعه یافتند. این امر به مازاد ظرفیت در این صنایع منجر شد. این مازاد از جهتی هم از سرمایه‌گذاری اضافی در بسیاری از بخش‌های تولیدی ناشی شده است، گرچه در این خصوص آمار دقیق وجود ندارد. حمایت دولت‌های محلی از کارخانجات مناطق مربوطه نیز بر این امر دامن زده و کارایی و کیفیت پایین‌تر تولیدات را باعث گردیده است.

مشکل مازاد تولید در چین پس از بحران مالی آسیا بارزتر شد. هم‌اکنون با توجه به

دولت چین برای حل مشکل به تعیین چند بانک که مجری سیاست‌ها هستند، مبادرت ورزیده است. بانک صادرات و واردات، بانک توسعه‌ی ملی و بانک توسعه‌ی کشاورزی از جمله‌ی این بانک‌ها هستند. این امر به سایر بانک‌ها امکان می‌دهد که به بانک‌های بازرگانی تغییر شکل دهند. نکته این‌جاست که به علت وسیع و حجیم بودن شرکت‌های دولتی، بانک‌های مجری سیاست که نسبتاً "هم‌کوچک می‌باشند، قادر نیستند که همه‌ی وام‌هایی را که با توجه به سیاست‌های اعلام شده دولت می‌باید پرداخت شود، پوشش دهند، لذا بانک‌های بزرگ چین هم‌چنان گرفتار وام‌های غیر قابل وصول می‌باشند.

از زمانی که بانک‌ها مجبور گردیدند که عملیاتشان را براساس سود و زیان تنظیم کنند، از گرایش آن‌ها به اعطای وام به شرکت‌های دولتی کاسته شده، مگر وامی که براساس سیاست‌های اعلام شده دولت مرکزی، اختصاص آن‌ها به دولت‌های محلی واگذار شده باشد. از سوی دیگر به علت افزایش سپرده‌ها در نزد بانک‌ها، آنها مجبور شدند که راه‌گزینی برای آنها بیابند. با توجه به اینکه شرایط سیاسی برای اعطای وام به بخش خصوصی مساعد نبوده است و اعطای وام به شرکت‌های دولتی، غیر

اصلاحات ابتدا در بخش مالی تسریع گردد، آنگاه بسیاری از شرکت‌های دولتی که بدون اخذ وام از بانک‌ها دوام نخواهند آورد، ورشکست خواهند شد. ورشکستگی تعداد قابل توجهی از شرکت‌های مذکور نیز به لحاظ ایجاد مشکلات اجتماعی و سیاسی مورد پذیرش نیست. اما چنانچه اصلاحات شرکت‌های دولتی در اولویت قرار گیرد، مسایل ناشی از وجود شرکت‌های دولتی غیر کارآ به ورشکستگی بانک‌هایی که دارای وام‌های غیرقابل وصول هستند، خواهد انجامید. بحران مالی آسیا به چینی‌ها فهماند که باید به روند اصلاحات شتاب بخشند. در این رابطه دو اقدام مورد قبول قرار گرفته است. اول، تشدید نظارت مرکزی بر بخش مالی کشور با استفاده از ابزارهای قانونی در عین کاهش کنترل اداری. در این خصوص به بازسازی بانک مرکزی پرداختند و آن را از ۳۰ شعبه به ۹ شعبه تبدیل کردند. دوم، تسریع در اصلاح شرکت‌های دولتی و حل موضوع ضرردهی شرکت‌ها در ظرف سه سال، در خصوص اصلاح شرکت‌ها توجه اصلی به جدایی دولت از عملیات شغلی شرکت‌ها، حفظ شرکت‌های بسیار بزرگ از سوی دولت و اجازه دادن به شرکت‌های کوچک‌تر که از دولت جدا

کاهش رشد صادرات و کسادی بازار داخلی، مزاد ظرفیت تولیدی زیادی در صنایعی هم‌چون پارچه و لباس بافی، ساخت ماشین‌های لباسشویی، یخچال، تلویزیون، VCD، ... وجود دارد.

در خصوص صنایع تولیدی، مشکل دیگر توسعه‌ی مزاد شرکت‌های روستایی<sup>۱</sup> است. توسعه‌ی سریع این شرکت‌ها در دهه‌ی ۸۰ به ارتقای توسعه‌ی مناطق روستایی چین یاری رساند و مشکل بیکاری در این مناطق را تا حد قابل ملاحظه‌ی حل کرد. اما از سوی دیگر این شرکت‌ها به طور عمده کوچک و با فن‌آوری پایین هستند که کارآیی کمی دارند و آلودگی محیط زیست را تشدید می‌کنند و چون در برخی مناطق آلودگی‌های مذکور خطر جدی را موجب شده است، دولت را مجبور نموده تا شرکت‌های کوچک آلوده کننده محیط زیست را تعطیل نماید.

#### ۴- روند اصلاحات اقتصادی

در خصوص استمرار روند اصلاحات اقتصادی، به طور عمده در مورد دو بخش (مالی و شرکت‌های دولتی) مناقشه وجود دارد. از چند سال پیش به این طرف این موضوع به یک مسأله‌ی بفرنج تبدیل شده است، زیرا چنانچه

1. Township and Village Interprises

عنوان یکی از مهم‌ترین اقدام‌های خود تلقی نمود و در صدد برآمد تا در سطوح استانی و شهرستان به ایجاد مراکز کارایی مبادرت ورزد و به کارگران بیکار شده یارانه‌های دولتی اختصاص دهد و یا شغل جدیدی برای آنها بیابد. با این که رشد بیکاری در اثر روند اصلاح در شرکت‌های دولتی بروز کرده، اما بحران مالی آسیا نیز بر آن موثر بوده است. این تأثیر بر شرکت‌هایی که با سرمایه خارجی کار می‌کردند بیشتر بوده است. کارگران این شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌هایی که با سرمایه‌های شرق آسیا تأسیس شده بودند، فشار بیشتر بر کار و درآمدشان را حس می‌کردند. علاوه بر آن، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز هم اکنون در پیدا کردن کار در شرکت‌های با سرمایه خارجی با مشکل مواجه می‌باشند.

#### - رفتار مصرفی مردم:

مردم چین این نکته را درک کرده‌اند که بحران مالی آسیا بر زندگی مردم کشورهای مبتلا تأثیر نامطلوب داشته است، از طرفی بیکار شدن کارگران شاغل در شرکت‌های دولتی، به مردم این کشور آموخته که در مصرف، محتاط‌تر باشند. موارد فوق موجب شده که انتظار مردم نسبت به صعود درآمدهای آتی منفی گردد، در

شوند، می‌باشد. هرچند که در این رابطه هنوز هیچ تغییر اساسی رخ نداده است.

#### ۵- مسایل اجتماعی و شغلی

#### - تغییر نگرش مردم نسبت به شغل:

یکی از اثرات روان شناختی بحران مالی آسیا بر چین، تأثیر بر روند تغییر نگرش و رفتار مردم در مورد شغلشان بوده است. برای مدت‌های طولانی، کارگران شرکت‌های دولتی که مورد حمایت کارفرمایان خود بودند، شغل خود را به عنوان کاسه‌یی نگاه می‌کردند که در سر سفره‌ی شرکت نصب آنها شده است و هیچ کس فکر نمی‌کرد که بی‌شغل خواهد ماند. حتی زمانی که عده‌ای از کارگران در اواخر دهه‌ی ۸۰ و اوایل دهه‌ی ۹۰، کار خود را از دست دادند، نمی‌توانستند این وضعیت را باور کنند. اما به‌تدریج، تحت تأثیر انجام اصلاحات در شرکت‌های دولتی و افزایش کارگران بیکار شده، این امر به عنوان یک "پدیده‌ی عادی" تلقی شد. بحران مالی آسیا، کارگران چینی را نسبت به عواقب اقتصاد بازار هشیارتر کرد. آنها فهمیدند که دیگر نمی‌توانند صرفاً "به دولت (و یا شرکت) اتکا" کنند، بلکه خود می‌باید راهی برای یاری رساندن به خودشان بیابند.

دولت چین حل معضل بیکاری را به

آنها دریافت شهریه در دانشگاه‌ها و اخذ پول برای ناهار از دانشجویان می‌باشد. با توجه به این‌که خانوارهای چینی اکثراً تک فرزند هستند، تمایل دارند که فرزندشان، تحصیلات عالی را طی نماید، لذا برای تضمین این امر به پس‌انداز بیشتری نیاز دارند.

### - توزیع درآمد

در سال‌های اخیر توزیع درآمدها غیر متعادل‌تر گردیده است. این امر با بحران مالی آسیا رابطه‌ی مستقیم ندارد. این عدم تعادل در سه زمینه قابل بحث می‌باشد:

اول، فاصله‌ی درآمد بین مناطق ساحلی و مناطق داخلی کشور، این موضوع عمدتاً به روند توسعه‌ی اقتصادی مرتبط است. از سال ۱۹۸۰ به بعد توسعه‌ی مناطق ساحلی در شرق از توسعه‌ی مناطق غربی و مرکزی چین سریع‌تر بوده است. بر طبق یک بررسی در چین، در سال‌های بین ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۷، درآمد سرانه‌ی ساکنان مناطق شرقی ۱۲ برابر شده است که این افزایش در مناطق غربی و مرکزی بین ۰/۰۶ تا ۱۰/۳ برابر بوده است.

دوم، فاصله‌ی درآمد بین گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماع، فاصله‌ی درآمد گروه‌های مختلف اجتماعی وسیع‌تر شده است. در سال

عوض برخی روندها موجب شده که انتظار آنها نسبت به احتمال افزوده شدن هزینه‌هایشان مثبت گردد. در این خصوص چهار مورد قابل ذکر است:

اول، فرار است که به کارگران بازنشسته، مستمری پرداخت شود که بسیار کمتر از حقوق دوران بازنشستگی فعلی است، لذا کارگران فعلی به ناچار باید پول بیشتری را برای دوران بازنشستگی خود پس‌انداز کنند.

دوم، این که اختصاص مسکن مجانی از سال ۹۹ متوقف شود و مردم می‌باید خانه‌های خود را خریداری کنند. این امر هزینه‌ی زیادی را در بر خواهد داشت. اگر چه در نظر است تا به مردم برای خرید خانه وام‌هایی که بازپرداخت آنها به صورت قسطی باشد داده شود، اما به‌رحال یک پرداخت اولیه لازم است که آن هم به پس‌انداز قبلی نیاز دارد.

سوم، افزایش هزینه‌ی بهداشت است. مقرر شده که در جهت اصلاح سامانه‌ی بهداشت و درمان کشور، بیمه‌های درمانی رایج گردد و افراد برای درمان پول بیشتری بپردازند.

چهارم، افزایش هزینه‌ی تحصیل فرزندان می‌باشد. در چین قبلاً، آموزش حتی در سطوح عالی مجانی بوده اما به تدریج برخی از هزینه‌ها به محصلین تحمیل شد که از جمله‌ی

ساکنان روستاها ۵/۲۶ و برای ساکنان شهری ۶/۹۸ بوده است، لذا می‌توان گفت که از اواسط دهه‌ی ۸۰ به بعد فاصله‌ی درآمد روستاییان با شهرنشینان روبه افزایش گذاشته است.

- برداشت مردم از میزان و نوع تأثیر بحران بر محیط اجتماعی آنها

با این‌که مشکلات اجتماعی فعلی در چین از عوامل داخلی نشأت می‌گیرند، اما برداشت عده‌یی از مردم این کشور این است که زندگیشان تحت تأثیر بحران مالی آسیا قرار گرفته است. براساس یک تحقیق که در دسامبر ۱۹۹۸ صورت گرفت، ۳۴/۲ درصد از سؤال‌شوندگان<sup>۱</sup> به تأثیرگذاری بحران بر زندگی مردم در خصوص کاهش فرصت‌های شغلی (۳۸/۱ درصد) بود. فشارهای روانی، کاهش درآمد، نامساعد شدن شرایط کار و کسب و از دست دادن درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری، در مراحل بعدی این بررسی قرار دارند. البته این تحقیق به علت محدود بودن نمی‌تواند کاملاً "گویا باشد.

۱. این تحقیق از ۵۵۴۴ نفر صورت گرفت که ۴۲/۳ درصد آنها در مشاغل مدیریتی، ۲۶/۴ درصد آنها کارمند، ۱۴/۱ درصد آنها دانشجو، ۵/۶ درصد آنها معلم و محقق، ۵ درصد آنها کارگر و ۶/۶ درصد مابقی اقبشار اجتماعی بودند.

۱۹۸۷، درآمد ۲۰ درصد از خانوارهای ثروتمند شهری صرفاً<sup>۲</sup> دو برابر درآمد ۲۰ درصد از خانوارهای فقیر بوده است. این رقم در سال ۹۷ به ۴/۲ برابر رسیده است. البته این آمار با آمار بانک جهانی مغایرت دارد. براساس آمار این بانک، در سال ۱۹۹۵، ۲۰ درصد از خانوارهای چینی ۴۷/۵ درصد از کل درآمد و مصرف را در چین به‌خود اختصاص داده‌اند، در حالی که ۲۰ درصد از خانوارهای فقیر چینی صرفاً<sup>۳</sup> در ۵/۵ درصد از کل درآمد و مصرف در این کشور سهم بوده‌اند.

سوم، فاصله درآمد بین شهرها و روستاها، در خصوص وسیع‌تر شدن شکاف بین درآمدها در مناطق شهری و روستایی در بیست سال اخیر تردید وجود دارد. به‌طور مثال از مقایسه‌ی بین درآمد روستاییان در سال ۱۹۷۸ با درآمد آنها در سال ۱۹۹۷ چنین برمی‌آید که این درآمد ۱۵/۶۴ برابر شده است در حالی که این رقم برای مردم شهری ۱۵/۰۳ برابر بوده است که نشانگر کاهش فاصله به‌عوض افزایش آن است. از بررسی دقیق‌تر آمارها این چنین می‌توان نتیجه گرفت که در بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ درآمد ساکنان روستاها ۲/۹۸ برابر شده ولی درآمد ساکنان شهرها ۲/۱۵ برابر شده است. اما در سال‌های بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ این رقم برای

- شرایط کلی برای کسب و کار

بحران مالی آسیا و کاهش تقاضای داخلی بر محیط کسب و کار اثر منفی داشته‌اند. اما این ارزیابی که محیط کسب و کار به‌طور کلی تخریب شده است، اشتباه می‌باشد، زیرا رشد اقتصادی هنوز در حدود ۷ و ۸ درصد می‌باشد. همچنین با این‌که تقاضا هم‌چون گذشته وجود

ندارد اما همین میزان تقاضا برای شرکت‌هایی که از کارآیی مناسبی برخوردارند، کافی است و شرایط را مهیاتر نموده است تا این امکان را بیابند که با کنار گذاشتن شرکت‌های غیرکارآ، سهم خود را در بازار توسعه دهند.

اداره کل جنوب و شرق آسیا

